۱۴۱

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

برای یک زندگی که تمام نیازهایش در دسترسش باشد و بداند که چطوری رفتار کند، قرآن برای همه می‌تواند مدل باشد. مثلاً قرآن برای خلقت انسان، البتّه کتاب زیست‌شناسی نیست که در مورد فسیلی در فلان‌جا بگوید. از آن مرکز غیب یعنی مرکزی که همه‌ی آنها را آفریده، از آنجا هر مطلبی را که برای زندگی معمولی ما ضرورت بداند، در قرآن ذکر کرده. فرض بفرمایید که یک نفر مهندسی می‌خواهد فیزیولوژی و مطالب شناخت بدن انسان را مطالعه کند، البتّه جزئیات کار مهم نیست. خداوند بحث مفصّلی راجع به خلقت دارد. راجع به این موارد، از یک جایی ذکر می‌کند که قبل از مطالعات علماء است. مثلاً علماء بررسی می‌کنند بعد که فرزند متولّد شد، چنین و چنان است ولی قرآن از اوّلِ قبل از تولّدش ذکر می‌کند یعنی می‌گوید اصلاً چطور شد که این متولّد شد یا در آن نحوه‌ی خلقتش که البتّه حتّی زیست‌شناسان و جرّاحان و همه، می‌توانند از این آیه استفاده کنند که می‌فرماید: خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخالِقينَ (سوره مؤمنون، آیه ۱۴) همین مرحله‌ای است که در جنین دیده شده که ما هم به‌عنوان متلک به دیگران می‌گوییم: «عَلَقَةَ مُضْغَة» یعنی بچّه‌ای که هنوز هیچ فهمی ندارد ولی همه‌ی اینها دیده شده، در سنین مختلف بوده است.

در همین مطلب، خداوند یعنی آن کسی که اصلاً ما نمی‌دانیم چه کسی است و چطوری است ولی می‌دانیم که هست، به این معنی که آن خلقت اوّلیه، به‌اصطلاح آن نطفه را چه کسی آفریده؟ همان کسی که آفریده و دستش را هم گرفته راه برده، تا شده یک انسان. همان خودش گفته چه‌کار کردم. در آنجا برای اینکه این مسیر سرخود نرود و بداند بعدش هم چه خواهد بود، برای اینکه بعد هیچکس از دانشمندان نگفتند یک کسی که آدمِ تندِ بداخلاقی است، بعداً چه خواهد شد. طبیب کاری ندارد. به‌علاوه اطبّا دیدند که بعضی‌هایشان خوب درمی‌آید و بعضی‌هایشان بد. در این زمینه دخالت نمی‌کنند. هیچکسی هم از آن قبیله یعنی از قبیله‌ی علماء و دانشمندان نیست که در اینجا نظری بدهد و استدلالی بکند ولی در اینجا خود خداوند برای اینکه ما از اختیارمان سوءاستفاده نکنیم، می‌فرماید در وقتی که هنوز در این دنیا نبودید، ما از شما عهد گرفتیم، با شما قرارداد بستیم بعد برای اینکه مبادا فراموش کند، در یک بُرهه‌ی دیگری از کلّ بنی‌آدم که مورد خطاب قرار گرفته، می‌پرسد: أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يا بَني آدَمَ (سوره یس، آیه ۶۰)، آیا از شما پیمان نگرفتیم که شیطان را عبادت نکنید، خدا را عبادت کنید؟ یادآوری می‌کند. این مرحله‌ی عهد گرفتن را دیگر هیچ طبیبی نمی‌داند، مگر اطبّا و طبیب روحانی. طبیب روحانی هم نه اینکه لباس روحانی داشته باشد، نه! طبیب روحانی که واقعاً

اهل روح باشد، این مسائل را می‌گوید.

بنابراین، آن کسی که با این دقّت، ریزه‌کاری‌های خلقت انسانی را می‌گوید، بعدش هم این انسان را به یک عالمی می‌برد که نمی‌داند. ما از یک عالمی آمدیم که نمی‌دانیم چیست. به یک عالمی هم می‌رویم که آن را هم نمی‌دانیم چیست ولی در آنجا، اگر ما از این فاصله، در آن فاصله‌ای که از ما عهد گرفته‌اند و بعد آمده‌ایم به این دنیا و بعد باز می‌رویم، وقتی رفتیم، قاعدتاً پیش آن کسی می‌رویم که نمی‌دانیم کیست. کما اینکه به دنیایی می‌رویم که نمی‌دانیم چه دنیایی است. او از ما بازخواست خواهد کرد، من که پرسیدم: أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يا بَني آدَمَ، آیا از شما نپرسیدم؟ آیا یادتان نیست که من از شما پرسیدم: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى (سوره اعراف، آیه ۱۷۲) آیا همین من نیستم که شما را آفریدم؟ آنهایی که هنوز به دنیا نیامدند، جواب دادند: چرا. با این سؤال و جوابی که دادیم و با اینکه من از شما پرسیدم، چرا فراموش کردید؟ نباید فراموش کنید. اگر ما فکر کنیم، تمام مسائلی که برای زندگی‌مان لازم داریم، از صحبت کردن، از سکوت، از اظهار ارادت، همه‌ی اینها تکلیف را در همین آیه معیّن کرده است.

این است که آیات قرآن را محترم بدانید ولو آن چیزی که خودتان معنی‌اش را نمی‌دانید. اینجا برای اعراب که بدوی بودند و هیچ سابقه‌ی درک و فهم عوالم مافوق را نداشتند، اوّلش برای آنها آمده و لذا خیلی ساده و با صراحت مطالبی را که خواسته، بیان کرده است. امّا برای دیگران باید تأمّل کنند و آن را یاد بگیرند و بدانند. هیچ آیه‌ی قرآن نیست که بی‌معنی باشد و در جایی دقّت نداشته باشد. از خلقت انسان، از مدیریت جامعه و از همه‌ی این مسائل هست. قرآن را باید به همان اندازه‌ای که زحمت می‌کشید که بخوانید، به همان اندازه و بلکه بیشتر، باید زحمت بکشید که معنایش را بفهمید. الان مثلاً رسم شده، عبارات قرآن را حفظ کنند. خوب است ولی این کار چندان خوب نیست. خوب‌تر این است که معنی قرآن را بدانید. اگر معنی‌اش را بدانید، خودش حفظ می‌شود. ان‌شاءالله که موفّق باشید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۶، جلسه خواهران ایمانی)

*****

از آقایان و خانم‌هایی که رحلت پدر من را به من تسلیت می‌گویند از طرف خودم و همه‌ی اینها از شما متشکّرم. بعد از آن، من هم یک درویشی هستم، با شما درویش‌ها همراهم و رحلت مرد بزرگی را که بر همه‌ی ما اثر گذاشته، تسلیت می‌گویم و با اینها شریک هستم و این مجلس را می‌گیریم. در آن مجلس من چیزی ندارم که تشکّر کنم جز به‌عنوان مربّی و قطب شما. بزرگ‌ترین شخصی که من در زندگی‌ام دیدم رحلت فرمودند. در واقع فقرای قدیمیِ ما (راه‌رفته‌ی ما) امروز دست‌پروردگان حضرت صالح‌علیشاه هستند. تاکنون سه نفر اقطاب بعدی از دست‌پروردگان و بیعت‌کنندگان با شخص ایشان، توسط شخص ایشان، هستند و این هم خودش یک یادگار و یادبودی است که در دل‌های همه‌ی ما هست. امیدوارم که ما از فرمایشات ایشان و روش ایشان پند بگیریم و سعی کنیم در آن راه باشیم که من به‌نوبه‌ی خودم برای اینکه روشن‌تر بشود، *پندصالح* را برای شرح و تفسیر انتخاب کردم که این شرح *پندصالح* در واقع مدل و نمونه‌ای است برای رفتار یک زندگی عارفانه‌ی امروز در دنیا.

امروز بعضی اشخاصی که مثلاً بسیار بی‌رحمی و شقاوت نشان داده‌اند دم از عرفان می‌زنند و عرفان یاد می‌دهند البتّه عرفانی که ما می‌گوییم عرفان صلح است و سلامت. یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ کَافَّةً (سوره بقره، آیه ۲۰۸) خلاصه برای سُلم و صلح همگی همگام هستیم. نتیجه‌ی جنگ، از بین رفتن عدّه‌ای است که ما نمی‌خواهیم یک مورچه‌ای هم از دستگاه خدا کم کنیم یعنی در درگاه خدا همان مورچه هم یک جانداری است، یک مخلوقی است که خداوند به او توجّه داده و علاقه دارد و به‌اصطلاح ما نمی‌خواهیم یک مورچه‌ای را از بین ببریم. خدا این قدرت را به ما داده و شاید هم امتحانی که بتوانیم خیلی از این کارها و خطاها بکنیم ولی باید خودمان جلویش را بگیریم یعنی این خودمان نیستیم، این شیطانی است که در درون ما لانه می‌کند و به‌عنوان یک وسوسه‌ی جداگانه‌ای ما را وسوسه می‌کند. ان‌شاءالله خداوند همه‌ی ما را برای سلامت و عدالت، رهبری کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، سالگرد رحلت حضرت آقای حاج شیخ محمّدحسن صالح‌علیشاه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱، جلسه برادران ایمانی)

*****

هر چند در این عزا یعنی بعد از پنجاه و یک سال می‌خواهیم بگوییم یادمان نمی‌رود و یادآوری می‌کنیم همه شریک هستیم. آنهایی که خدمت آن بزرگوار رسیده‌اند که معلوم است از دیدنشان، از صحبت‌شان، از سکوتشان، گاهی اوقات ما از سکوت ایشان گاهی محبّت و گاهی مرحمت ولی گاهی هم غضب می‌دیدیم و شما همه‌ی آنها را دیده‌اید. حتّی اگر خدمت خودشان هم نرسیده باشید همان نامه‌هایشان و حرف‌هایشان همه‌ی اینها ما را به یادِ آن می‌اندازد. ان‌شاءالله که شما با شنیدن شرح *پندصالح* و خواندن خود *پندصالح*، اگر با دقّت خوانده باشید، ان‌شاءالله محو درون بحث‌ها می‌شوید. خیلی متشکّر از همه، خداحافظ شما. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، سالگرد رحلت حضرت آقای حاج شیخ محمّدحسن صالح‌علیشاه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱، جلسه خواهران ایمانی)

*****

یک حدیثی هست که اگر علم ذرّه‌ای باشد در ثریّا، بعضی از این قوم که دست زدند به پشت سلمان یعنی ایرانیان به آن دست می‌یابند. این مسلّماً حمل بر توجّه و محبّت پیغمبر است به سلمان فارسی، حالا به امت کار نداریم. البتّه این اگر صحیح باشد، من متخصّص نیستم که بگویم این درست است یا نه و واقعاً پیغمبر چنین حرفی زده یا نه؟ چون خیلی دروغ به نام پیغمبر بستند، یک دروغ‌های کله‌گنده که اگر الان هم برای علماء بخوانند، یک‌خرده فکر کنند می‌فهمند این حرف از پیغمبر نیست ولی این را نمی‌دانم، به‌هرجهت مانعی هم ندارد از پیغمبر باشد چون این اگر برای قوم سلمان نباشد، برای خود سلمان هم باشد، مانعی ندارد برای اینکه سلمان طوری که می‌گویند البتّه همه‌اش هم مستند نیست، کشیشی بود یعنی روحانی بود از روحانیون قبل از اسلام و دنبال تحقیق بود برای اینکه در اخبار حضرت زرتشت و ائمّه و انبیای قبلی همیشه نشانی‌هایی داده بودند از یک پیغمبر آخرالزمان که اینطور است. او دنبال این شخص می‌رفت که این پیغمبر را و یا دینش را پیدا

کند. مدّتی هم یهودی بود فکر کرد آنجاست، بعد که ادامه داد به مسیحیت رسید مسیحی شد، بعد آمد تا به اسلام رسید، خیلی همّت می‌خواهد. همّتی می‌خواهد که همه‌ی چیزها را رها کند و راه بیفتد. مرد فاضل، باهوش و دانشمندی بود همه‌ی آن صفات را داشت و اگر فرمایش پیغمبر در مورد قوم هم نباشد، در مورد سلمان فارسی درست است. سلمان فارسی چنین بود برای اینکه در زمان خودش خیلی همّت می‌خواهد که دنیای آن تاریخ را بگردد. البتّه خیلی‌ها بعداً هم پیدا شدند از این همّت‌ها کردند، دیدند، حالا کار نداریم.

این موضوع یک‌خرده به نژادها برمی‌گردد، البتّه نژادها خیلی با هم فرق ندارند، همه‌ی آدم‌ها، انسان‌ها یک‌طورند منتها یک مختصر تفاوت‌هایی دارد، که این را در حیوانات هم می‌بینیم. بعضی گوسفندان یک منطقه چاق‌ترند، بعضی جاها لاغرترند، بعضی‌ها طولانی عمر می‌کنند، بعضی‌ها نه. بعید نیست یک چنین چیزی باشد. امّا این امر نباید موجب غرور ما بشود، به این معنی که خداوند اگر به یکی محبّتی می‌کند یا آن محبّت را باید بنده با بندگی‌اش جبران کند یا اینکه خداوند خودش یک صفت دیگری هم می‌گذارد که تعادل برقرار بشود. این است که به همه‌ی انسان‌ها به نظر و دیده‌ی احترام نگاه کنید برای اینکه اگر هم از آن طبقه‌ای باشد که مثلاً از ما بالاتر باشد یا ارزش این را دارد که آدم در برابرش تعظیم کند و یا هم اگر این ارزش را ندارد، بالاخره یک انسانی است که مثل ماست. من در نجف در خدمت حضرت صالح‌علیشاه بودم یکی از خانم‌های درویش که آمده بودند زیارت، برای امتحان رفته بود از یکی از علمای آنجا که دیده بود این عالم به دیدن آقای صالح‌علیشاه آمد، می‌خواسته ببیند چه می گوید؟ گفته: آقا! من دختری دارم که یک خواستگار دارد از این درویش‌های گنابادی، اینها خوب هستند؟ قبول کنم یا نه؟ آن آقا گفته بود: بله، حتماً قبول کنید برای اینکه اینها یک حرف‌هایی، یک ادّعاهایی می‌گویند که اگر اشتباه باشد یا دروغ باشد، تازه مثل ما هستند اگر راست باشد که از «ما» (یعنی علماء) خیلی بهتر هستند. حالا هر کسی را شما می‌بینید، به همین حساب هر انسانی را احترام بگذارید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۴)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.